



Reinvestigating Terrorism from the Perspective of Islamic Law and International Instruments: With Emphasis on Liberation Movements

Mohammad Nozari Ferdowsiye¹

Mohammad Zahibat²

Received: 23/08/2020; Accepted: 19/01/2021

Abstract

In Islamic jurisprudence, there are concepts such as *Erhab*, *Eqhtial*, *Fatk*, *Baqhy* and *Moharebah* which although may not be completely synonymous with the notion of terrorism, due to being among the factors threatening the security and are considered to be examples of *Munkar* (anything denounced as evil), Islam opposes them. Accordingly, in political jurisprudence of Islam, moharebah, that is to say taking up arms in order to create fear and panic and depriving the people of security and comfort is criminalized and severe punishments are provided to tackle with it. In accordance with international instruments, widespread violations of fundamental human rights and freedoms, including political repression and social discriminations are regarded be fundamental causes of violent acts which are criminalized and generally are called terrorism. Western countries, with a broad interpretation of terrorism and following the Additional Protocol I to 1949 Geneva Conventions, have considered the struggles of the liberation movements as an international armed conflict and have accepted fighting against them in the form of terrorism. The authors, through a descriptive-analytic and comparative method and a library-based approach in collecting sources, while expressing the view of Islam and international instruments on terrorism, are seeking to prove that based on the view of Islamic law, the struggles of liberation movements in the form of Islamic jihad are defensive actions to realize the truth, repel the oppression and eliminate sedition, and confront oppression and arrogance and are right-oriented.

Key words: Terrorism, Islamic Jurisprudence, International Instruments, Liberation Movements.

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Qom (Corresponding Author); Email abasaleh.s@gmail.com.
2. Ph. D. Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Qom.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم.



مقدمه

از دهه ۱۹۶۰، جهان شاهد شیوه های گوناگون کاربرد خشونت بوده است؛ شیوه هایی که در واقع شکل های مختلف تروریسم را نشان می دهد. نهضت های رهایی بخش نیز که برای دستیابی به استقلال و آزادی علیه کشورهای استعمارگر مبارزه می کنند، شیوه ها و ابزارهایی را به کار می گیرند که بی شباهت به شیوه های تروریستی و کاربرد آنها نیست. به همین دلیل دو مقوله تروریسم بین الملل و نهضت های رهایی بخش از جنبه های سیاسی و عملیاتی در هم آمیخته اند و مرز میان آنها مشخص نیست. واقعیت این است که کشور های قدرتمند از وجود ابهام میان این دو مقوله به سود خود بهره می گیرند و آن را به عنوان ابزاری برای ادامه سیاستهای استعماری به کار می برند؛ از اینرو، فعالیت های جنبش های رهایی بخشی را که در برابر کشورهای سلطه گر قیام کرده اند، اعمال تروریستی می نامند. به نظر می رسد در اسناد بین المللی نیز معیارها و ضوابط دقیقی برای تعریف این دوپدیده، آن گونه که مورد قبول همه دولت ها باشد، ارائه نشده است. به طوری که، تفسیر دولت ها از این دو موضوع متفاوت بوده و درواقع شناسایی آنها تابع منافع و مصالح سیاسی هر کشور شده است. بنابراین، مرزبندی میان گروه های رهایی بخش که مبارزه آنها برآیند اراده ملت هاست، و گروه های تروریستی که در عرصه بین المللی مشروعیت ندارند، ضروری است. البته مطالب گوناگونی در کتب و مقالات در باره تروریسم به چاپ رسیده است. اما اکثر آنها جز در قالب اهداف سیاسی نمی گنجد و نمی توان مصادیق آن را در

۱. کتاب هایی مانند، الارهاب و حقوق الانسان، نوشته هیشم المناع؛ مفهوم الارهاب فی القانون الدولی، نوشته ثامر ابراهیم الجهمانی؛ الارهاب الدولی، نوشته عطا الله عبدالمهدی فکری؛ و... همچنین مقالات متعددی از قبیل، تروریسم از دیدگاه اسلام، اثر محمدرضا حاتمی؛ نقض حقوق بشر به واسطه اقدامات تروریستی وسازوکار مبارزه با آن، نوشته مجید بزرگمهری و مهسا کیارستمی؛ چارچوب جهانی نظام حقوق بین الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته ای، از پیمان نمایان و...





مبانی نظری اسلام که تعریف و چارچوب مشخصی از جهاد و مبارزه به دست می‌دهد، پیدا کرد. در حالی که مبارزات نهضت‌های رهایی‌بخش را می‌توان ذیل مبانی جهاد دفاعی در اسلام مطرح و توجیه کرد. البته نگارنده به تحقیق جامعی در این زمینه دست نیافت.

این پژوهش، بر خلاف نوشته‌های پیشین، به روش توصیفی - تحلیلی با تبیین دیدگاه‌های اسلام و نسبت آن با اسناد بین‌المللی، در صدد است جایگاه واقعی دیدگاه اسلام نسبت به تروریسم و مبانی آن را بر اساس آموزه‌های اسلامی، تبیین نماید تا در نتیجه آن، مبارزات نهضت‌های رهایی‌بخش، تروریسم معرفی نشود، بلکه تلاش‌های آنان حق مدارانه جلوه نماید. و در ضمن، موضع اسلام در قبال عملیات‌های گروه‌های تروریستی، مانند داعش، آشکار گردد.

تروریسم از آغاز خلقت انسان بر روی زمین به وجود آمده^۴ و نسل به نسل ادامه یافته است. به منظور فهم دقیق معنای اصطلاحی این واژه در پژوهش حاضر به دو دیدگاه موجود در اسناد بین‌المللی در این زمینه، اشاره و نظر مختار ارائه می‌شود. نخست دیدگاه مادی به این پدیده است که تروریسم را با استناد به آمار جنایات تروریستی تعریف می‌کند و به اغراض و اهداف اعمال تروریستی توجه نمی‌کند. (امام حسنین، ۲۰۰۴: ۹۷) این دیدگاه از معنا و محتوای اساسی تروریسم، بسیار دور است. دوم دیدگاه معنوی و غایی است که در آن تعریف تروریسم، بر اهداف تروریسم متمرکز شده است. این اهداف ممکن است سیاسی، فکری یا دینی باشد. به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این دو دیدگاه به تنهایی مبین ماهیت واقعی تروریسم نیست، بلکه تلفیق این دو نظریه می‌تواند جامع معنای تروریسم، به عنوان یک عمل مجرمانه، باشد؛ زیرا دیدگاه اول، بر عنصر مادی این جرم تأکید دارد و دیدگاه دوم، ناظر به عنصر معنوی آن است. بنابراین تروریسم مجموعه اعمال



۱. قرآن کریم، نظر فرشتگان در باره انسان را چنین بیان می‌فرماید: ... قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ... بقره، ۳۰ فرشتگان از خداوند پرسیدند: «آیا می‌خواهی در روی زمین موجودی خلق کنی که به فساد و خون‌ریزی بپردازد؟ ما که به حمد و تسبیح و تقدیس تو مشغولیم»



جنایی خشونت‌آمیز هماهنگی است که با ایجاد ترس و وحشت در میان مردم، به دنبال تحقق اهداف سیاسی، فکری یا دینی باشد.

۱. تروریسم در حقوق اسلامی

مقوله تروریسم هرچند فی نفسه، اقدام و عملی تاریخی است؛ اما از منظر حقوق اسلامی، از مسائل مستحدثه و جدید است؛ از این رو در کتب فقهای متقدم از احکام آن سخنی به میان نیامده است؛ متأخرین نیز کمتر به بحث تروریسم پرداخته اند. در نتیجه در ادبیات فقه اسلامی، تنها می توان برخی واژه های کم و بیش مترادف به تروریسم را بازشناخت. ارهاب، اغتیل، فتک، بغی و محاربه از جمله آن واژگان است که شریعت اسلام برای آن‌ها شدیدترین مجازات‌ها را تعیین کرده است. شاید دو جنایت «بغی» و «محاربه» در احکام اسلام، نزدیک‌ترین نوع جنایت به اعمال تروریستی باشد. (محمود کرم، ۲۰۱۰: ۹۴) بغی یک جنایت سیاسی است که بر ضد حکومت قانونی یا یک طبقه و گروه در جامعه اسلامی و بر اساس «تأویل سائغ» (علامه حلی، بی تا: ۴۵۴؛ بی تا: ۹۸۲) انجام می‌شود. در اصطلاح «فقه اسلامی»، تأویل سائغ، معادل اصطلاح «انگیزه» در حقوق است و همچنان که در اصطلاح حقوقی، انگیزه جرم و جنایت، یا شرافتمندانه است یا نامشروع، این تأویل نیز، یا موجه و یا غیر موجه و نادرست است. بر همین اساس فقهای

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۴۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۱. اغتیل از نظر لغوی به معنی کشتن به طور ناگهانی است (معلوفی، ۱۳۷۹: ۶۴۳)؛ همچنین به معنای حیل و نیرنگ برای تسلط پنهانی بر چیزی به نحوی که با خبر نشود (ابن فارس، بی تا: ۴۰۲) و اگر متعلق آن دشمن باشد، به معنای ازپای درآوردن دشمن به صورت پنهانی و غافلگیرانه است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳۱)۰
۲. فتک در لغت به معنای شخصی است که از غفلت فرد دیگری استفاده می‌کند و او را می‌کشد یا مجروح می‌نماید (ابن منظور، ۲۰۰۳: ۴۷۲)؛ به علاوه، به معنای حمله بردن، یورش بردن، به ناحق کشتن و نیز آدمکشی و فتاک به معنای بسیار آدمکش آمده است (الیاس، ۱۳۸۴: ذیل فتک)؛ در اصطلاح، فتک؛ یعنی اینکه انسانی در مکانی پنهان شود، سپس از مخفی گاه خارج شود و به کسی حمله ور شود و او را بی محابا و بدون ترس بکشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۰: ۵۸۴)۰





اسلام در این مبحث، بین «بغی به حق» و «بغی به غیر حق» تمییز قائل شده اند.^۷ و «بغی به حق» را مجاز شمرده و آن را به موردی اطلاق کرده اند که حاکم، جائز و ستمکار باشد و مسلمانان در کنار کسانی که بر ضد او قیام می‌کنند، قرار بگیرند. و در مقابل، «بغی به غیر-حق»؛ یعنی خروج بر امام عادل را نامشروع و مشمول مجازات شدید دانسته‌اند.^۸ (محمود کرم، ۲۰۱۰: ۹۹) بنابراین جنایت بغی در اسلام، نزدیک و مترادف با جنایت سیاسی؛ یعنی تروریسم در قوانین موضوعه است و قتال با باغیان تا مرحله تسلیم در برابر حق واجب است. (علامه حلی، بی تا: ۲، ۹۸۲)

علاوه بر بغی، محاربه نیز با تروریسم قرابت معنایی دارد؛ زیرا در اصطلاح فقه اسلامی، محاربه به معنای قیام یک گروه یا یک فرد قدرتمند در سر راه عمومی و بستن راه مردم، که نوعاً با سرقت اموال، تجاوز و ضرب و شتم آنان همراه است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۳: ۵۶۹) یا در تعریف محارب گفته شده کسی که در شب یا روز، در خشکی یا دریا، برای ترساندن مردم از سلاح استفاده کند، محارب محسوب می‌شود. (فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۳۵۱) بنابراین، قیام برای ترساندن مردم، یا توسل به زور برای گرفتن اموال آنان یا ضرب و جرح و کشتن مردم، محاربه و اقدامی تروریستی است. و اگر افساد فی الارض را از مصادیق محاربه بدانیم از دیدگاه قرآن کریم، تروریسم دولتی اتفاق می‌افتد. چنان‌که در آیه ۴ سوره قصص، فرعون را به عنوان تروریسم معرفی می‌کند.^۹ از نظر وجود عنصر روانی، تمام این اعمال در یک نقطه اشتراک دارند و آن ایجاد رعب و وحشت در بین مردم است.

۱. ان یكونوا علی المبیعة بتأویل سابع عندهم بان یقع لهم شبهة یعتمدوا عنها الخروج علی الامام فاما إذا لم یکن لهم تأویل سابع ولو انفردوا وابنوا بغیر شبهة فهم قطاع الطرق، حکمهم حکم المجانین. (علامه حلی، بی تا: ۲، ۹۸۳)
 ۲. خداوند در قرآن به این جنایت اشاره کرده و می‌فرماید: «اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگ کردند، بین آنان اصلاح و آشتی برقرار کنید و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری بغی و تجاوز کرد، با گروه تجاوزکار بجنگید تا به حکم خدا تمکین نماید و اگر آن را پذیرفت، بین آن دو گروه عادلانه آشتی بدهید و عادل باشید که خداوند عادلان را دوست دارد...» (حجرات، ۹ و ۱۰)

۳. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدِيعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ





(فکری، ۲۰۰۰: ۲۵) بنابراین، جنایت محاربه در شریعت اسلامی، همان مفهوم و یا معادل جنایات تروریستی از دیدگاه قوانین موضوعه است؛^۱ چراکه این اقدامات نماد مسلّمی از خشونت و منشأ هلاکت هستند و قطعاً حرام و قبیح و خلاف ارزش‌های معنوی و اسلامی قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد. بنابراین در حقوق اسلامی تروریسم عبارت است از قیام توأم با توسل به زور یک گروه یا یک فرد قدرتمند، بر ضد حکومت قانونی یا یک طبقه و گروه در جامعه اسلامی، به منظور ترساندن مردم که نوعاً با سرقت اموال، تجاوز، ضرب و شتم و قتل آنان همراه است.

۲. تروریسم در اسناد بین‌المللی

تروریسم در حوزه نظر، مبهم‌ترین و در حوزه عمل از پیچیده‌ترین پدیده‌هایی است که بشر تاکنون با آن مواجه شده و به شدت دچار بحران معنایی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است. لذا تاکنون هیچ تعریف واحد از تروریسم به لحاظ معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی در محافل آکادمیک و سیاسی جهان ارائه نشده است که مبنای اقدام مشترک و هماهنگ دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد. یکی از دلایلی که مانع تعریف جامع و مانع از تروریسم شده این است که «تعریف»، تعهد ایجاد می‌کند و کشورها نمی‌خواهند خود را زیر بار هیچ تعهد و مسئولیتی ورای منافع و امنیت ملی خود در قبال مبارزه با تروریسم ببرند. برخی حکومت‌ها به علت نگرانی از امنیت ملی خود، تمایلی به همکاری، ضد تروریسم بین‌المللی ندارند. آنها از بیم آنکه خود آماج حملات تروریستی قرار گیرند، آن را به حال خود رها می‌کنند. از این رو تاکنون هیچ تعریف جهانشمول و متفق‌القولی از این پدیده ارائه نشده است (قادری کنکاوری، ۱۳۹۰: ۹۶).

بسیاری از متخصصان و حقوق‌دانان بین‌المللی، تلاش برای تعریف دقیق تروریسم را ضایع کردن وقت و انرژی می‌دانند و تلاش خود را برای پیدا کردن روش‌های کارآمد

۱. مصادیق محاربه و عملیات تروریستی در حقوق قابلیت انطباق دارند. البته بعضاً تفاوت‌هایی میان این دو وجود دارد. اما به طور کلی می‌توان قائل به یک رابطه عموم و خصوص من وجهی میان این دو بود. (محمدباقر، ۱۳۸۶: ۱۵۶)





برای مبارزه با آن متمرکز کرده‌اند؛ چنان‌که سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۹۸۵/۱۲/۲۹ در اجلاس مجمع عمومی، تمام اشکال تروریسم را محکوم کرد؛ اما از تعریف تروریسم خودداری نمود. هم‌چنین دو پروتوکل الحاقی معاهده ژنو در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷ و هشتمین کنفرانس جلوگیری از جنایات و برخورد با زندانیان که در سال ۱۹۹۰ در هاوانا برگزار شد و نیز نهمین کنفرانس سازمان ملل متحد در قاهره در سال ۱۹۹۵، موضع‌گیری مشابهی داشته‌اند. در مقابل، برخی متخصصان دیگر به اعتبار این که مسأله تروریسم به قوانین جنایی مربوط می‌شود، تعریف آن را ضروری می‌دانند، (المناع، ۲۰۱۰: ۱۱۴)

دوازده کنوانسیون بین‌المللی و هفت کنوانسیون منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف مبارزه با تروریسم تدوین شده است. این کنوانسیون‌ها نسبت به این پدیده سه رویکرد مختلف داشته‌اند:

۲-۱. رویکرد غیرامنیتی و از زاویه جرم فردی:

در تدوین معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی، مانند؛ کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی برای پیشگیری و مجازات اعمال تروریستی،^۱ کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم،^۲ کنوانسیون توکیو،^۳ کنوانسیون لاهه در مورد منع هواپیما ربایی^۴ و کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال، عمدتاً به تروریسم از زاویه جرم فردی، ابعاد فنی برخورد دول مربوطه با آن یا تأمین ایمنی مسافران در برابر اقدامات مجرمانه، مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲. رویکرد امنیتی و بین‌المللی:

در این مرحله کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری و مجازات جنایات علیه افراد مورد حمایت بین‌المللی، از جمله کارگزاران دیپلماتیک،^۵ کنوانسیون بین‌المللی علیه

1. OSA Convention 2 February 1971
2. European Convention 27 January 1977
3. Convention of offences and certain other acts committed on board aircraft 14 September, 1963.
4. Suppression of unlawful seizure of the for convention aircraft, 16 december, 1970.
5. Convention on the Prevention Including Diplomatic Agents Protected Persons Against Internationally and Punishment of Crimes, 14 December. 1973.



گروگان گیری،^{۱۷} کنوانسیون رم در مورد منع اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی^{۱۸} و کنوانسیون ۱۹۹۱ مونترال در مورد علامت گذاری مواد انفجاری پلاستیکی،^{۱۹} ادبیات این حوزه را از «ایمنی» به «امنیتی» تغییر داده و آن را به امنیت بین المللی، نیز مرتبط می نمایند.

۲-۳. روی کرد فراگیر و تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی:

در مرحله سوم، معاهدات منطقه ای و بین المللی، مانند کنوانسیون عرب برای مقابله با تروریسم،^{۲۰} کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد منع بمب گذاری تروریستی،^{۲۱} کنوانسیون منع حمایت مالی از تروریسم^{۲۲} با گذار از نگاه ایمنی و حوزه های خاص، تروریسم را با روی کردی فراگیر و ابعاد بین المللی مورد توجه قرار می دهند. اگرچه کنوانسیون های موجود، با هر رویکردی، بیانگر دیدگاه ها و جهت گیری های متفاوتی نسبت به مقوله تروریسم و راههای مقابله با آن هستند؛ اما همه این موارد نشان دهنده تلاش روزافزون جامعه جهانی برای مقابله با این پدیده و استفاده از روشها و ابزارهای گوناگون برای این منظور می باشند. (جلالی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۳-۸۷)

به علاوه، در کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، میثاقین بین المللی ۱۹۶۶، در ماده دو و بند یک ماده شش و کنوانسیون های منطقه ای، تروریسم به تمام اشکال، از طریق تهدید یا ارتکاب اعمال خشونت زا پیش بینی و ممنوع شده است. در میثاقین بین المللی آزاد بودن از ترس و واهمه، مورد تأکید قرار گرفته است. در بررسی کنوانسیون های بین المللی می توان نتیجه گرفت که در همه ی آنها تروریسم ناقض حق حیات ظاهر می شود و اعمال زور، تهدید یا خشونت به نحوی که برای سلامتی، کرامت و جان افراد خطر داشته باشد، از موارد اصلی اقدامات تروریستی قلمداد شده است.

1. International Convention Against the Taking of Hostages. 17 December 1979.
2. Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Maritime, 10 March 1988.
3. Convention on The Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection, 1 March 1991.
4. Arab Convention on the, Suppression of Terrorism, 22 April 1998.
5. Bombing International Convention for the Suppression of Terrorist, 15 December 1997.
6. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 9 December 1999.





یادآور می‌شود، اسناد بین‌المللی اعم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل‌های الحاقی، حقوق عرفی و سایر معاهدات موجود در این زمینه، بدون هیچ استثنائی اقدامات تروریستی علیه غیرنظامیان در مخاصمات داخلی یا بین‌المللی را ممنوع می‌کنند؛ زیرا نقض حقوق بنیادین بشر در این حالت امری بدیهی بوده و ممنوعیت آن مسلم است. اما اقدامات علیه افراد نظامی در صورتی که با رعایت اصول تناسب و ضرورت و سایر قواعد بشر دوستانه عرفی و قراردادی حاکم بر مخاصمات مسلحانه باشد، به عنوان تاکتیکی جنگی، قابل پذیرش خواهد بود و نمی‌توان ممنوعیتی بر آن بار کرد.

۳. نهضت‌های رهایی‌بخش در اسناد بین‌المللی

از زمانی که نهضت‌های رهایی‌بخش در جامعه جهانی مطرح شدند، تعاریف مختلفی از آن‌ها ارائه شد. برخی، ملت‌های زیر سلطه استعمار خارجی یا نژادی را که دارای تشکیلات سیاسی موجه و قابل ارائه هستند را نهضت‌های آزادی‌بخش نامیده‌اند. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۱۲۰) برخی دیگر نهضت‌های رهایی‌بخش را به عنوان گروه‌هایی بین‌المللی که مشمول حقوق جنگ هستند، تعریف کرده‌اند (کاسسه، ۱۳۷۰: ۱۱۳-۱۱۲) علاوه بر این، در برخی اسناد بین‌المللی از جمله، در یکی از دو پروتکلی که برای تجدید نظر در حقوق بشر دوستانه و تعمیم این حقوق تصویب شد، نهضت‌های رهایی‌بخش، گروه‌های مسلحی نامیده شده‌اند که برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت، با استعمار مبارزه می‌کنند. (بند ۴ از ماده یک پروتکل منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد حقوق جنگ) بنابراین، در مجموع، نهضت‌های رهایی‌بخش، گروه‌هایی را در بر می‌گیرد که از جمله اهدافشان مبارزه با استعمار، تبعیض نژادی و اشغال‌گری است.

در اسناد بین‌المللی، پروتکل اول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (سال ۱۹۴۹) در مورد نهضت‌های رهایی‌بخش ملی سخن گفته است. نهضت‌های رهایی‌بخش در این پروتکل به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل قلمداد شده و طرف حق و تکلیف محسوب می‌شوند. براساس این پروتکل توسل به زور مشروعیت دارد و عمل تروریستی محسوب نمی‌شود. در حقیقت، برای بکارگیری زور در جنگ‌ها، نهضت‌ها را دارای اهمیت و مورد تأیید





قرار می دهد. البته چون یکی از اهداف مهم این پروتکل، مرزبندی و تفکیک بین جنگهای داخلی و مخاصمات مسلحانه بین المللی بود، اقدامات سازمان یافته نهضت های رهایی بخش، در چارچوب مخاصمات مسلحانه بین المللی طبقه بندی شده و تابع قواعد و اصول حقوق جنگ قرار گرفتند. از این رو، بر اساس پروتکل مورد بحث، اعضای گروه های آزادی بخش سازمان یافته اگر دستگیر شوند، اسیران جنگی محسوب می شوند و مقررات چهارگانه کنوانسیون ژنو درباره اسرای جنگی برای آنها قابل اعمال است (صادقی حقیقی، ۱۳۸۳: ۳۴)

رویه هایی که در عملکرد دولت ها و سازمان های بین المللی در خصوص نحوه برخورد با نهضت های آزادی بخش ملی دیده می شود، نشان دهنده این امر است که حقوق بین الملل کلیت نهضت های آزادی بخش ملی را پذیرفته است و برای نظم بخشی به نحوه استقرار آنها در روابط بین الملل، حقوق و تکالیفی برای آنان در نظر گرفته است.

۴. تفکیک گروه های سازمان یافته تروریستی و مبارزات جنبش های رهایی بخش در اسناد بین المللی و حقوق اسلامی

مفهوم تروریسم در بسیاری از موارد، با فعالیت های جنبش های رهایی بخش، خلط می شود؛ لذا برای حفظ احترام و مشروعیت فعالیت هایی که در جهت مبارزه با ظلم، تعیین سرنوشت و حفظ استقلال ملت ها صورت می گیرد و جلوگیری از اقدام کشورها و سازمان های استعماری که به بهانه مبارزه با تروریسم برای نابودی این جنبش های مردمی تلاش می کنند، ضروری است که فعالیت های تروریستی از فعالیت های جنبش های رهایی بخش جدا گردد و تفاوت های آنها تبیین شود. اگرچه در برخی موارد، تمیز و جدا کردن جنبش های مقاومت و رهایی بخش از تروریسم، مشکل به نظر می رسد.

بطور کلی می توان گفت جنبش های ملی مقاومت در مبارزه مشروع خود علیه تمام اقسام استعمار، اشغال کشورها توسط بیگانگان و تبعیض نژادی بر اصل تعیین سرنوشت متکی هستند که در اسناد مهم بین المللی و حقوق بشری به آنها اذعان شده و قوانین بین المللی بر حق مشروع همه ملتها در این راستا تأکید دارند. جنبش ها به خاطر اهداف ملی





گرایانه خود با وجود اینکه دشمن اشغالگر یا استعمارگر، آنها را گروه های تروریستی می نامد، در داخل کشور از حمایت گسترده مردمی برخوردارند (در واقع پایگاه مردمی دارند). مبارزات آزادی بخش در اصل مبارزه نظامی و مسلحانه گروه های سازمان یافته ای است که در شمار نیروهای مسلح رسمی تابع هریک از دولتهای در حال جنگ شمرده نمی شوند و هدف آنها از عملیات نظامی، آسیب رساندن به نیروهای اشغالگر و در نتیجه آزادسازی وطنشان است (مؤسسه اندیشه سازان نور، ۱۳۸۶: ۵۴).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در توصیه نامه شماره ۳۰۳۴ مصوب سال ۱۹۷۲ میان تروریسم جهانی و مبارزه مسلحانه جنبش های آزادی بخش میهنی تفکیک قائل شد و بر حق قانونی همه ملت هایی که از استعمار یا سلطه بیگانه رنج می برند، تأکید کرد و این حق را به رسمیت شناخت. در متن پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری نیز به تفاوت میان تروریسم و مبارزات ملتها اشاره شده است. بند دو ماده (۷۱) این پیش نویس، مداخله در امور داخلی یا خارجی یک کشور را اقدامات علیه صلح و امنیت بشری، برشمرده شده است که مشتمل بر تحریک فعالیت های مسلحانه براندازی یا تروریستی و ... می باشد، به گونه ای که در نتیجه این فعالیت ها، اجرای آزادانه حقوق حاکمیت کشور دیگر جداً مختل شود. اما بند (۳) همین ماده اذعان می دارد مفاد این ماده به هیچ وجه نباید به حق ملتها در تعیین سرنوشت خود- آن گونه که در منشور ملل متحد شناخته شده است لطمه وارد آورد (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶: ۲۳).

مهمترین عناصر تفکیک کننده گروه های سازمان یافته تروریستی و مبارزات جنبش های رهایی بخش عبارتند از:

الف) عنصر پایگاه مردمی: در مقاومت ملی مسلحانه می بینیم که میل فراوان و فراگیر میان تمام اقشار مردم به پیوستن به صفوف مقاومت برای مقابله با تجاوزگر وجود دارد (حریز، بی تا: ص ۳۷) و مردم نیز به طور کلی با آنها اظهار دلسوزی می نمایند و کمک های مادی و معنوی را برای آنان ارسال می نمایند (مصباح درباره، ۱۹۹۰: ۲۸۹). در حالیکه چنین وضعیتی با گروه های تروریستی مشاهده نمی شود به طوریکه کسانی که وارد این





سازمانهای تروریستی می‌شوند معمولاً افرادی هستند که از وضعیت موجود در جامعه نگران نبوده و زبان حال طیف گسترده‌ای از مردم نیستند (عامر، ۱۹۷۶: ۹۳).

ب) عنصر انگیزه میهن دوستی: عنصر انگیزه ملی محور و کانونی است که حول آن جنبش‌های مقاومت ملی متبلور می‌شوند و در راستای آن فعالیت می‌کنند، اما چنین انگیزه‌ای را در گروههای تروریستی نمی‌بینیم، به ویژه آنهایی که فعالیتهای خود را بر علیه نظامهای حاکمیت مشروع بر اساس افکار منحرفانه انجام می‌دهند، بدون اینکه کمترین ارتباطی با میهن دوستی داشته باشند یا بر اساس منافع عمومی یا اهداف ملی متعارف در جوامع برخاسته باشند.

ج) عنصر اهداف عملیات مقاومت: فعالیتهای مسلحانه مقاومت ملی بر ضد دشمن بیگانه‌ای انجام می‌شود که وجود خود را با زور نظامی تحمیل کرده و مانع استقلال سرزمینی که آن جنبش در آنجا قرار دارد، می‌شود. بنابراین هدف نهایی آن استقلال و خارج شدن از یوغ استعمار است. اما اعمال تروریستی بطور طبیعی اهدافی را در داخل جامعه یا خارج از آن پیگیری می‌کند، اما نه به عنوان اهداف رهایی بخش، بلکه برای تأکید بر خواسته‌های نامشروعی که این گروههای تروریستی در داخل حکومت یا نظام سیاسی در پی تحقق آن هستند.

د) عنصر مشروع بودن اعمال جنبش‌های رهایی بخش: این نکته شاید اساسی‌ترین محور در تمایز بین تروریسم بین‌المللی و جنبش‌های رهایی بخش ملی باشد. زیرا اصول حقوق بین‌المللی عرفی و قراردادی هم بر این نکته صحه گذاشته و دیدگاههای دکترین بین‌المللی مدرن نیز از آن حمایت کرده‌اند. در حالیکه جنبشهای تروریستی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و دولتها نامشروع تلقی می‌شوند (عبدالناصر حریر، بی تا: ۳۸).

بنابراین تروریسم و نهضت رهایی بخش به معنای واقعی کلمه دو راه جداگانه را می‌روند و قواعد حقوقی خاصی در سطح بین‌المللی بر آنها حاکم است، چرا که تروریسم پدیده‌ای است که با بکارگیری غیرقانونی خشونت و زور در مقابل جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد؛ ولی نهضت آزادی بخش ملی برای دفاع از حقوق یک ملت از گزینه‌های مختلف استفاده می‌نماید و غالباً مورد حمایت جامعه بین‌المللی و در کنار آن قرار می‌





گیرد و این خود عاملی می‌شود تا حقوقی در سطح بین‌المللی برای این نهضت‌ها در نظر گرفته می‌شود.

بر اساس آموزه‌های اسلام نیز، مفاهیمی چون «جهاد»، «قاعده نفی سبیل (سلطه)»، «حق تعیین سرنوشت» و «حق دفاع مشروع»، مبارزات این جنبش‌ها را تا رفع کامل سلطه و فتنه؛ یعنی استعمار، استکبار، استثمار، استبداد و بدتر از همه استخفاف و تحقیر مسلمانان و سایر ملل، توجیه‌پذیر و از اقدامات تروریستی جدا می‌کنند. و بر همین اساس، مشروعیت مبارزات نهضت‌های رهایی‌بخش، چه از نوع اسلامی و چه از نوع ملی آن پذیرفتنی است. (قادری کنگاوری، آقایی خواجه پاشایی، ۱۳۹۱: ۹۷) براساس مبانی تئوریک به شرح زیر که برگرفته از حقوق اسلامی است، می‌توان بین اقدامات نهضت‌های رهایی‌بخش و اعمال گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی تمایز قائل شد.

۴-۱. لزوم مقاومت و مبارزه علیه دشمنان

یکی از مبانی تفکیک‌کننده بین مقاومت نهضت‌های رهایی‌بخش و رفتارهای تروریستی، لزوم مبارزه علیه دشمنان است که در جهاد فی سبیل الله متبلور می‌شود. جهاد در اندیشه اسلامی به معنی تلاش مقدس برای پاک‌سازی و اصلاح خود، جامعه و نیز مقاومت و مبارزه در برابر دشمنان تهدیدکننده سلامت فرد و اجتماع می‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۵۹). در اکثر آیات قرآن، جهاد و قتال با کفار و مشرکان مقید به قید «فی سبیل الله»^۲ شده است؛ به این معنا که به منظور تأمین امنیت و نظم عمومی در جامعه و نیز برای تعبد و فرمانبری از خالق یکتا باید با کسانی که معترض و مهاجم اند مبارزه و جهاد کرد. به علاوه، در جهاد، برخلاف جنگ‌های معمولی، اهداف شخصی، مثل آدمکشی، کشورگشایی، تحمیل عقیده و بالاخره مداخله نظامی در امور سایر کشورها مد نظر نیست. (قادری کنگاوری، آقایی خواجه پاشایی، ۱۳۹۱: ۹۸)

فقه‌های امامیه نیز جهاد به منظور دفاع از کیان اسلام و جلوگیری از تسلط بیگانگان را به اجماع واجب می‌دانند (محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۳۶۵) بدیهی است این وجوب؛ مگر در





موارد استثنایی،^{۲۳} و جوب کفایی است. (شهید ثانی، ۱۳۷۸: ۲۸۰) پس، وقتی عده ای از رزمندگان، تحت عنوان نهضت های رهایی بخش برای دفع شر دشمن، از کشور خود دفاع می کنند، به وظیفه دینی خود عمل کرده اند. بدیهی است اقدامات این مدافعان هیچ سنخیتی با اعمال تروریستی ندارد؛ زیرا جهادگر اسلامی مقید و ملتزم به مراعات اخلاقیات است. در نتیجه اقدام وی از نظر هدف و روش های پیشبرد با ترور فاصله دارد. از این رو نسبت بین «ترور» و «جهاد» به لحاظ منطقی، نسبت «تباین» است. (قادری کنگاوری، آفایی خواجه پاشایی، ۱۳۹۱: ۱۰۰)؛ زیرا در ادبیات قرآن، ترور، فعلی بسیار مذموم است و در مقابل، جهاد دارای قداست و بر محور ارزشهای متعالی است. (فیض اللهی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

اما امروزه که جهان اسلام در آتش تکفیر می سوزد و شهرها و مناطق مختلفی از جهان اسلام، گرفتار این بلای خانمان سوز شده است. تعدادی از گروه های تروریستی به ظاهر مسلمان، با برداشت های گزینشی از آیات قرآن، با اعلام جهاد علیه امت های مسلمان، ابتدا همه آن ها را تکفیر کرده و با تفسیر اشتباه از مفاهیمی چون حاکمیت الله، جاهلیت، طاغوت، جهاد و خلافت اسلامی، جهان اسلام را دار الکفر معرفی کرده و به مبارزه و به اصطلاح جهاد علیه حاکمان اسلامی می پردازند. گویا خوارچ دوباره ظهور کرده اند و با شعار «و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون»؛ «هرکس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند، کافر است»، تمام امت اسلامی را تکفیر می کنند و فجع تر از خوارچ، به قتل و کشتار مسلمانان؛ اعم از زن و مرد، پیر و جوان می پردازند. تکفیری ها با استناد به ظاهر یک یا چند آیه و برخورد گزینشی با آیات قرآن، دست به هر اقدامی می زنند که این رفتار و گفتار با برداشت همه فقها و مفسرین اسلامی در طول تاریخ در تضاد است و موجب قتل و غارت و اسلام هراسی شدید در جهان شده است. از جمله دلایل گروه های

۱. در صورتی که مسلمانان مورد هجوم کفار قرار گیرند، و این هجوم اساس اسلام را تهدید کند یا اراده استیلا بر بلاد مسلمانان را داشته باشند که اسارت و آوارگی و اخذ اموال مسلمانان را در پی داشته باشد. در چنین شرایطی، بر همه مسلمانان، اعم از زن و مرد، سالم و بیمار، حتی کور و ناقص العضو، واجب است به هر نحو ممکن و در هر شرایطی اقدام کنند. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲: ۲۱، ۱۹)





تکفیری در انجام عملیات‌های انتحاری و بمب‌گذاری که منجر به کشته شدن مردم بی‌گناه می‌شود، این است که آنان کشورهای مسلمان را دارالحرب می‌پندارند. چراکه آنان ملاک در دارالاسلام را حکومت و حاکمان دانسته (عبدالقادر بن عبدالعزیز، بی تا: ۵۶۵) و مردم کشورهای اسلامی را کافر می‌خوانند (ناجی، بی تا: ۳۲). این در حالی است که کشورهای مد نظر آنان از جمله عراق، سوریه، لیبی، الجزائر و سایر کشورهای اسلامی، دارالاسلام بوده (رمضانی، بی تا: ۲۳۸) و واجد ملاک‌های دارالاسلام که فقها از آن بحث کرده‌اند، هستند. ملاک‌هایی از جمله؛ اقامه نماز و انجام روزه؛^۴ پخش شدن اذان از مأذنه‌ها و مسلمان بودن ساکنین آن سرزمین (البانی، بی تا: ۸۵۰) که در روایات برای دارالاسلام بیان شده است. بنابراین، کشورهای اسلامی، دارالاسلام بوده و انتساب این کشورها از سوی گروه‌های تکفیری به دارالکفر، انحرافی بزرگ است.

این گروه‌ها گاهی به بهانه کافر بودن حاکمان برخی از کشور های اسلامی اعمال خشونت بار خود را توجیه می‌کنند. اما با فرض اینکه نظامیان و وابستگان حکومت، کافر باشند، چه دلیلی وجود دارد که زنان و خانواده آنان نیز کافر باشند. چنان که قرآن کریم زن فرعون را به عنوان الگویی برای زنان مؤمن معرفی کرده است. به علاوه حتی اگر زنان و فرزندان آنها نیز مستحق قتل باشند، سایر مردم بی‌گناه و محقون الدم هستند (رمضانی، بی تا: ۲۳۶)؛ زیرا نوعاً کسانی که در نتیجه این اعمال تروریستی کشته می‌شوند، مسلمان هستند (رمضانی، بی تا: ص ۲۳۸). بنابراین گروه‌های تکفیری مانند داعش و القاعده و... که در سوریه، عراق و افغانستان و پاکستان و سایر نقاط جهان به جای مبارزه با استکبار جهانی و رژیم اشغالگر قدس، به بهانه‌های واهی، دست به کشتار مردم بی‌گناه می‌زنند، یقیناً مصداق نهضت‌های آزادیبخش اسلامی نیستند و در دایره تعریف دیگری قرار می‌گیرند و باید مجامع بین‌المللی و دولت‌های مستقل با آنان مقابله کنند. چراکه آنچه امروز توسط گروه‌های سلفی افراطی در گوشه و کنار جهان، به خصوص در کشورهای اسلامی، به نام جهاد انجام می‌شود، از مفهوم جهاد به معنای واقعی فاصله دارد. و مسلماً کسانی که با



۱. «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ». (حج / ۴۱).



قرآن و سنت اسلامی آشنایی ندارند، در مواجهه با اقدامات تروریستی این گروه ها دچار اشتباه می شوند، حال آنکه قرآن و احادیث معتبر به هیچ وجه جنگ نامحدود و کشتار بی گناهان را به رسمیت نمی شناسند. در واقع، افراد به ظاهر مسلمانی که در هر جای عالم، به نام جهاد دست به ترور می زنند، جهاد را که در اصل، اصطلاح مقدسی است بدنام می کنند و هیچ مرجع دینی رسمی و مطرح در جهان اسلام اعمال آنها را به معنای فقهی و کلامی اصطلاح، جهاد نمی شمارد» (نصر، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

۴-۲. ظلم ستیزی و نفی ظلم پذیری

یکی دیگر از مبانی تفکیک کننده بین مقاومت نهضت های رهایی بخش و رفتارهای تروریستی، ظلم ستیزی و نفی ظلم پذیری است. در فقه اسلامی، مفاد قاعده نفی سیل که از نص قرآن (نساء، ۱۴۱)^{۴۵} گرفته شده است، ناظر بر روابط بین الملل جامعه اسلامی است. براساس مفهوم این آیه، مؤمنان باید از برقراری روابطی که موجب سلطه کافران بر آنها می شود، اجتناب کنند. از نظر فقهی، مراد از نفی سیل این است که خداوند متعال حکمی جعل نکرده که بر اثر آن برتری کفار بر مسلمانان ثابت شود. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸) این حکم شامل همه مسلمانان؛ اعم از شیعه و سنی می شود. بنابراین، براساس قاعده نفی سیل، راه هرگونه نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود.^{۴۶} زیرا این قاعده بر همه قواعد اولیه حاکم است.^{۴۷}

۱. «...كُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ یعنی هیچگاه خداوند بر اهل ایمان سلطه ای از کافران قرار نداده است.

۲. بر همین اساس، اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده اند. اصل ۱۵۲ مقرر می دارد: سیاست خارجی جمهوری ایران براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است. و اصل ۱۵۳ مقرر می دارد: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و سایر شئون کشور گردد، ممنوع است

۳. اصطلاح حکومت، به معنای تصرف یکی از دو دلیل در موضوع یا محمول دلیل دیگر، به صورت توسعه یا تضییق است؛ یعنی دلیل حاکم با شرح و تفسیر موضوع یا محمول دلیل دیگر قلمرو آن را گسترده تر یا محدودتر می کند. (ذهنی تهرانی، ۱۴۲۴: ۱۱۲۵؛ اصغری، ۱۳۸۳: ۱۶۹)



(بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸) براساس این قاعده، چنانچه قدرت‌های سلطه طلب بخواهند تحت هر عنوانی در امور کشورهای اسلامی دخالت کنند، و ظلمی روا دارند، باید با آنان مقابله کرد. چنان که اقدامات نهضت‌های رهایی بخش علیه استعمارگران مبتنی بر همین قاعده است.

۴-۳. حق تعیین سرنوشت و دفاع مشروع برای تحقق آن

مبنای دیگر تفکیک کننده بین مقاومت نهضت‌های رهایی بخش و رفتارهای تروریستی، حق تعیین سرنوشت است. حقی بنیادین که بدون آن سایر حقوق نمی‌توانند به طور کامل محقق شوند. زیرا اصل حق تعیین سرنوشت، به عنوان یک حق بشری، پایه و اساس سایر حقوق بشری را تشکیل می‌دهد که به موجب آن همه افراد و گروه‌های اجتماعی، صرف‌نظر از قومیت، نژاد، جنس و مذهب می‌توانند امور خویش را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دست گیرند. این اصل از اصول مبنایی حقوق بین‌الملل و از قواعد آمره حقوق بشری محسوب می‌شود. با رعایت این اصل از سوی دولت‌ها، مبارزات نهضت‌های رهایی بخش مشروع قلمداد می‌شود. این اصل به عنوان یکی از اصول پایه حقوق بین‌الملل معاصر در اسناد بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. برای مثال، یکی از اصول هفتگانه اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها «اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت» مردم است. بر اساس این اصل، همه مردم حق دارند آزادانه و بدون دخالت خارجی، وضعیت سیاسی خود را تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را دنبال کنند. درعین حال اعلامیه، دولت‌ها را موظف و متعهد می‌سازد از اقدامات قهرآمیز برای محروم کردن از حق تعیین سرنوشت خودداری کنند؛ در غیر این صورت، مردم محق‌اند با این کشور مبارزه کنند و درمبارزه علیه چنین دولتی از حمایت بین‌الملل برخوردار شوند. (قادری کنگاوری، آقایی خواجه پاشایی، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۶) درفقه سیاسی اسلام نیز، در مواردی که دولتهای سلطه‌جو دست به اقدامات زورمندانه برای محروم کردن ملت‌ها از اعمال حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال خود می‌زنند، خواه ناخواه باید حق مبارزه و به اصطلاح دفاع مشروع، برای چنین ملت‌های تحت ستم، به رسمیت شناخته شود؛ زیرا در چنین مواردی کاربرد زور هرگز نباید



تجاوز تلقی گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۴۱۵) بنابراین، هم براساس قوانین بین المللی و هم از نظر فقه سیاسی اسلامی، همه کشورها در تعیین حق سرنوشت خود آزادند و چنانچه کشوری بخواهد آنان را از این حق مسلم شان محروم کند، می تواند با آن مبارزه کنند.

جامعه بین الملل اگر حق حاکمیت و تعیین سرنوشت را با این مفهوم که حق هر ملتی است که نظام سیاسی خود را معین کند و تحمیل کردن نظام حکومتی از طرف قدرت های خارجی بر یک ملت مشروع نیست، باید در تعریف خود این جمله را نیز بیان نماید که دفاع مقدس ملت ها از هویت خود در مقابل نیروهای مهاجم و استبداد داخلی و حق حاکمیت ملتها بر سرنوشت خود مشروعیت دارد، در این صورت دیگر مبارزات آزادیبخش ملتها را نمی توان و نباید در دایره تعریف مذموم تروریسم جای داد و مبارزان راه استقلال و آزادی هویت دینی و ضد استعماری را تروریست نامید.

همچنین بر اساس اسناد بین المللی، هر گونه توسل به زور علیه هر گونه مواضع در قلمرو سرزمینی سایر کشورها، اصولاً مغایر با بند (۴) ماده (۲) منشور ملل متحد بوده و از این رو، اقدامی نامشروع خواهد بود؛ مگر آنکه چنین اقداماتی کلیه شرایط مربوط به دفاع مشروع مقرر در ماده (۵۱) منشور را دارا باشد. دفاع مشروع در حقوق بین الملل به قربانی تجاوز حق می دهد تا به فوریت با توسل به زور به دفاع از خود و سرکوب تجاوز بپردازد. البته مشروعیت توسل به زور در مقام دفاع، منوط به تحقق شرایطی است که در حقوق بین الملل برای آن مقرر شده است. از نظر علامه طباطبائی، دفاع مشروع امری فطری است و براساس همین اصل، بشر اجتماع را ایجاد کرد و با توسل به زور، حقوقی که ظالمان و طاغیان از او تضییع کرده بودند به خود بازگرداند. شاید همین حقیقتی باشد که آیه شریفه «وَلَوْ كُنَّا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره، ۲۵۱) به آن اشاره دارد. از نگاه فقه شیعه، توسل به زور در دفاع مشروع در صورتی مجاز است که راهی جز آن برای دفع تجاوز وجود نداشته باشد. (کاشف الغطاء، بی تا: ۲۸۸) با توجه به اینکه در فقه، تجاوز به عنوان شرطی از شرایط دفاع مشروع ذکر شده است. پس، اگر یکی از کشورهای اسلامی مورد تجاوز کشورهای سلطه گر قرار گرفت، دفاع در مقابل آنان مشروع و قانونی است.





بنابراین براساس مبانی تئوریک فوق که برگرفته از حقوق اسلامی است، به سادگی می‌توان بین اقدامات نهضت‌های رهایی بخش و اعمال گروه‌های سازمان یافته تروریستی تفکیک نمود و فعالیت نهضت‌های رهایی بخش را تأیید و از آن حمایت کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

۱. در اسناد بین‌المللی، تروریسم در کسوت مفاهیم تعریف‌ناپذیر ظاهر می‌شود. به دلیل این که «تعریف»، تعهد ایجاد می‌کند و کشورها، خصوصاً ابرقدرت‌ها نمی‌خواهند خود را زیر بار هیچ تعهد و مسئولیتی ورای منافع و امنیت ملی خود در قبال مبارزه با تروریسم ببرند.
۲. در ادبیات فقه اسلامی، نه تنها واژه‌های مترادف تروریسم توضیح داده شده، بلکه بدون هیچ ملاحظه‌ای جرم‌انگاری و برای آن‌ها شدیدترین مجازات تعیین گردیده است.
۳. بر اساس آموزه‌های اسلام، مفاهیمی چون «جهاد»، «قاعده ظلم ستیزی و نفی ظلم پذیری»، «حق تعیین سرنوشت» و «حق دفاع مشروع»، مبارزات جنبش‌های رهایی بخش را، اولاً؛ از رفتارهای غیرانسانی و وحشیانه گروه‌های تروریستی مانند، داعش و النصره متمایز و ثانیاً؛ توجیه‌پذیر و مشروع می‌کنند.
۴. مشروعیت بخشیدن به مبارزات نهضت‌های رهایی بخش موجب نمی‌شود که اعمال و فعالیت‌های خلاف قانون و شرع برخی از گروه‌های شبه‌نظامی مسلمان، مانند داعش، به عنوان مقاومت تفسیر شوند. زیرا چنین فعالیت‌هایی، حتی با شرایط ذکرشده در اسناد و معاهدات بین‌المللی برای فعالیت‌های مشروع مقاومت، مخالف است.

منابع:

قرآن کریم

- (۱) ابن فارس، احمد، بی‌تا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.





- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم؛ ۱۹۹۵م، لسان العرب، بیروت، للطباعة و النشر.
- (۳) ابوبکر ناجی، بی تا، إدارة التوحش أخطر مرحلة ستمر بها الأمة، بی جا، مرکز الدراسات والبحوث الاسلامیة.
- (۴) امام حسانین، عطاالله، ۲۰۰۴م، الارهاب البنیان القانوني الجریمه، بی جا، دار المطبوعات الجامعیة.
- (۵) الهوی نظری، حمید، فامیل زوار جلالی، امیر، ۱۳۹۶ش، مسئولیت بین المللی دولت های تأمین کننده مالی تروریسم، مطالعات حقوق عمومی، ش ۴۷.
- (۶) الیاس انطون، الیاس، ۱۳۸۴ش، فرهنگ نوین عربی-فارسی؛ ترجمه القاموس العصری، به اهتمام سید مصطفی طباطبائی، تهران، اسلامیة.
- (۷) البانی، محمد ناصر الدین، بی تا، صحیح الجامع الصغیر و زیاداته، بی جا، المكتب الإسلامی.
- (۸) جلالی، محمود و دیگران، ۱۳۹۴ش، تحول رویکرد به تروریسم در اسناد بین المللی: خلاء های حقوقی و پیامدها، فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۱.
- (۹) جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۰ش، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- (۱۰) جنیز، بریان؛ ۱۹۸۶م، الارهاب و العنف السیاسی، کتاب الحریة.
- (۱۱) الجهمانی، ثامر ابراهیم؛ ۱۹۹۸م، مفهوم الارهاب فی القانون الدولی، بی جا.
- (۱۲) حریز، عبدالناصر، بی تا، النظام السیاسی والارهاب الاسرائیلی دراسة مقارنة، بیروت، دار الجیل مکتبة مدبولی.
- (۱۳) الخلف، علی حسین، الشاوی، سلطان عبدالقادر، ۱۹۸۲م، المبادئ العامة فی قانون العقوبات (مبانی عمومی قانون جزایی)، بغداد.





(۱۴) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح، صفوان عدنان داودی، لبنان، دار العلم.

(۱۵) رضائی، عبدالملک بن احمد، بی تا، تلخیص العباد من وحشیہ ابی القتاد الداعی الی قتل النسوان و فلذات الکباد، بی جا، بی نا.

(۱۶) زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.

(۱۷) السند، الشیخ محمد، ۱۴۲۸ق، بحوث معاصرة فی الساحة الدولیة، مرکز الأبحاث العقائدیة.

(۱۸) الشہید الأول، بی تا، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی الأولى، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

(۱۹) الشہید الثانی، ۱۳۸۷ق، الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، تحقیق و إشراف، السيد محمد کلانتر، النجف الأشرف، منشورات جامعة النجف الدینیة.

(۲۰) الشیخ سید سابق، ۱۳۹۷ق، فقه السنة، بیروت، دار الكتاب العربی، ج ۳.

(۲۱) صادقی حقیقی، دیدخت، ۱۳۸۳ش، نهضت های رهای بی بخش ملی و تروریسم بین الملل از دید حقوق بین الملل، اطلاعات سیاسی، ش ۲۰۵ و ۲۰۶.

(۲۲) صالح، صالح عبد القادر، ۲۰۰۵م، قراءه فی کتاب الارهاب السیاسی، الرأی العام، ش ۱۲۵.

(۲۳) ضیایی بیگلری، محمدرضا، ۱۳۸۱ش، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش.

(۲۴) طباطبائی، علامه سید محمد حسین، ۱۳۶۳ش، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ ی مدرسین حوزہ علمیہ قم، ج ۵.





- (۲۵) عامر، صلاح الدین، ۱۹۷۶م، المقاومة الشعبية المسلحة في القانون الدولي العام، رسالة دكتوراه، جامعة القاهرة.
- (۲۶) عبدالقادر بن عبدالعزيز، بی تا، الجامع فی طلب العلم الشریف، برگرفته از سایت منبر التوحید والجهاد.
- (۲۷) العلامة الحلی، بی تا، تذکره الفقهاء، بی جا، منشورات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- (۲۸) -----، بی تا، منتهی المطلب، بی جا.
- (۲۹) عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۷ش، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، چ ۳.
- (۳۰) فکری، عطاالله عبدالمهدی، ۲۰۰۰م، الارهاب الدولي، بی جا.
- (۳۱) فیرحی، داود، ۱۳۸۳ش، «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه، شیعه شناسی، سال دوم، ش ۶.
- (۳۲) فیض اللهی، روح الله، ۱۳۸۹ش، نقد و بررسی ترور در قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- (۳۳) قادری کنگاوری، روح الله؛ آقایی خواجه پاشا، داود، ۱۳۹۱ش، تحلیل تطبیقی مبانی نظری و عملی مقاومت و تروریسم (حقوق و تکالیف نهضت های آزادی بخش)، آفاق امنیت، ش ۱۷.
- (۳۴) کاسسه، آنتونیو، ۱۳۷۰ش، حقوق بین المللی در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، چ ۱.
- (۳۵) لاروس، پیر، ۱۳۸۷ش، دایره المعارف لاروس، ترجمه محمدرضا پارسایار، تهران، فرهنگ معاصر.
- (۳۶) المحقق السبزواری، ۱۴۲۳ق، کفاية الأحكام، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.





(۳۷) محمدباقر، آزاده، ۱۳۸۶ش، بررسی تروریسم و مقایسه آن با محاربه در حقوق کیفری ایران، کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مازندران.

(۳۸) محمود کرم، عبدالرزاق؛ ۲۰۱۰م، الارهاب الدولي الحديث، بیروت، چ ۱.

(۳۹) مصباح دباره، مصطفی، ۱۹۹۰م، الارهاب و اهم جرائمه فی القانون الدولي الجنائي، رساله ماجستير جامعه قاريونس، بنغازی.

(۴۰) معلوف، لوئیس، ۱۳۷۹ش، المنجد الابدی، ترجمه احمد سیاح، تهران، فرحان.

(۴۱) مقداد، فاضل، ۱۳۸۰ش، كنز العرفان فی فقه القرآن، تصحيح عبدالرحيم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام.

(۴۲) ممتاز، جمشید، رنجریان، امیرحسن، ۱۳۸۶ش، حقوق بین الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران، میزان.

(۴۳) المناع، هیثم، ۲۰۱۰م، الارهاب و حقوق الانسان، تضامن، ش ۱۱۴.

(۴۴) المناوی، ۱۴۱۵ق، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، تحقیق: تصحيح أحمد عبد السلام الأولى، بیروت، دار الکتب العلمیه.

(۴۵) مؤسسه اندیشه سازان نور، ۱۳۸۶ش، تروریسم و حقوق بین الملل، گردآوری و ترجمه گروه تحقیق مؤسسه، تهران.

(۴۶) المؤمن القمی، الشیخ محمد، ۱۴۲۸ق، الولاية الإلهیة الاسلامیة (الحکومة الاسلامیة)، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چ ۲.

(۴۷) الميرزا القمی، ۱۳۷۱ش، جامع الشتات، تحقیق و تصحيح مرتضی رضوی، تهران، کیهان، چ ۱.

(۴۸) هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳ش، جهاد در قرآن، قم، بوستان کتاب، چ ۲.

49) The General Assembly, (1981) Declaration on the Inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States A/RES/36/103, 91st plenary meeting, 9 December

- 50) The International Covenant on Civil and Political Rights. 16 December 1966.
- 51) European Convention 27 January 1977.
- 52) OSA Convention 2 February 1971.
- 53) Convention Offences and Certain Other Acts on Committed on board aircraft 14 September 1963
- 54) Suppression of Unlawful Seizure of the for Convention Aircraft, 16 December 1970.
- 55) Convention on the Prevention including Diplomatic Agents Protected Persons against Internationally and Punishment of Crimes , 14 December.1973.
- 56) International Convention against the Taking of Hostages, 17 December1979
- 57) Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime, 10 March 1988.
- 58) Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection ,1 March 1991.
- 59) Arab Convention on the Suppression of Terrorism,22 April 1998.
- 60) Bombing International Convention for the Suppression of Terrorist,15 December1997.
- 61) International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism,9December1999.



فصلنامه پژوهش حقوق اساسی و غربال
شماره اول - زمستان ۱۴۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

